

کهن الگوهای ملی - مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت:

(مطالعه موردی جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی)

منصور نوروزی^۱

چکیده

در مواجهه با بحران‌های نظامی، جوامع نیازمند سازوکارهایی برای حفظ انسجام روانی و اجتماعی هستند. گفتمان مقاومت در ایران، با تکیه بر کهن الگوهای ملی و مذهبی، یکی از موثرترین ابزارها برای تقویت تاب‌آوری روانی در شرایط جنگی محسوب می‌شود. این مقاله با تمرکز بر جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴، به بررسی نقش هم‌افزایی نمادهای ملی (مانند وطن پرستی، غرور تاریخی، و اسطوره‌های ایرانی) و مذهبی (مانند عاشورا، شهادت، انتظار و ظلم ستیزی) در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه می‌پردازد. در این میان، جنگ روانی دشمن نیز به عنوان یک مولفه تهدیدکننده، تلاش داشت با بهره‌گیری از، ابزارهای رسانه‌ای، انتشارات اخبار جعلی، بزرگ‌نمایی تلفات و القای ناامیدی، انسجام روانی جامعه را تضعیف کند. با این حال، هم‌افزایی کهن الگوهای فرهنگی و دینی در ایران، توانست با تولید روایت‌های امیدبخش، بازنمایی قهرمان ملی و مذهبی، تقویت حس تعلق جمعی، اثرات جنگ روانی را تا حد زیادی خنثی کند. رسانه‌های داخلی با تلفیق نمادهای مقاومت و بازآفرینی روایت‌های تاریخی، بستر تخلیه هیجانی، آرام‌سازی روانی و بازسازی اعتماد عمومی را فراهم ساختند. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف، فان دایک) و مطالعات فرهنگی، نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت در ایران، نه تنها ابزاری سیاسی و امنیتی، بلکه سازوکاری روانی و اجتماعی برای مدیریت بحران و حفظ سلامت روانی جامعه است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی انجام می‌شود. هدف آن، بررسی نحوه‌ی بازنمایی و هم‌افزایی کهن الگوهای ملی و مذهبی در گفتمان مقاومت و تحلیل تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه در مواجهه با جنگ روانی دشمن است. در پایان پیشنهاد می‌شود برای بهره‌گیری از این ظرفیت در سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه‌ای مد نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: گفتمان مقاومت، کهن الگوهای ملی و مذهبی، یونگ و جنگ ایران و رژیم صهیونیستی.

مقدمه و بیان مسئله

در عصر بحران‌های پیچیده و چندلایه، جنگ‌ها دیگر صرفاً در میدان نبرد نظامی رخ نمی‌دهند، بلکه در عرصه‌های روانی، رسانه‌ای و فرهنگی نیز گسترش یافته‌اند. جنگ‌های نوین، به ویژه در منطقه غرب آسیا، با بهره‌گیری از ابزارهای جنگ روانی، تلاش می‌کنند انسجام اجتماعی، سلامت روانی و مقاومت مردمی را هدف قرار دهند. در چنین شرایطی، جوامعی که پشتوانه‌های فرهنگی و اعتقادی غنی برخوردارند، توانایی بیشتری در مقابله با این تهدیدات دارند. ایران، به عنوان کشوری با تمدنی چند هزار ساله و میراثی عمیق از کهن الگوهای ملی و مذهبی، در مواجهه با بحران‌های نظامی، همواره از گفتمان مقاومت بهره گرفته است. این گفتمان، ترکیبی از کهن الگوهای ملی چون آرش کمانگر، رستم، کوروش و نمادهای مذهبی چون عاشورا، امام حسین (ع) و فرهنگ شهادت و انتظار است که در ناخودآگاه جمعی ایرانیان ریشه دارد.

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، زبان‌های خارجه و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی لرستان، شهر خرم‌آباد، کشور ایران.

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴، نمونه‌ای بارز از این هم‌افزایی بود. در این جنگ، رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از جنگ روانی، تلاش کرد با انتشار اخبار جعلی، بزرگ‌نمایی تلفات، القای ناامیدی، روحیه مردم ایران را تضعیف کند. در مقابل، رسانه‌های داخلی، نهاد‌های فرهنگی و مذهبی، کنش‌های مردمی با بازنمایی نمادهای مقاومت، روایت‌های امید بخش و بازآفرینی اسطوره‌های ملی و مذهبی، توانستند اثرات این جنگ روانی را تا حد زیادی خنثی کرده و تاب‌آوری جامعه را تقویت کنند. در کتاب «انسجام مذهبی در ایران و ارتباط آن با امنیت ملی که توسط یاور عیوضی و همکاران نوشته شده به صراحت نقش گفتمان مقاومت در مقابله با تهدیدهای نرم و جنگ‌های روانی اشاره شده است. نویسندگان معتقدند: نهادهای مذهبی، با تولید اطلاعات اخلاق محور و تقویت گفتمان دینی مشترک، می‌توانند در برابر جریان‌های افراطی و اطلاعات نادرست ایستادگی کنند. انسجام مذهبی در ایران، نه تنها عامل همبستگی اجتماعی است، بلکه نقش کلیدی در پایداری امنیت ملی و مقابله با تهدیدهای اطلاعاتی ایفا می‌کند» (عیوضی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۷).

در عصر بحران‌های چند لایه، از جنگ‌های نظامی گرفته تا نبردهای رسانه‌ای، انسجام ملی به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی در مدیریت افکار عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی شناخته می‌شود. جوامعی که هویت ملی و مذهبی در هم تنیده‌اند. «جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، نمونه‌ای بارز از تقابل چند لایه نظامی، اطلاعاتی و رسانه‌ای بود. در این جنگ رسانه‌های رسمی، نهادهای مذهبی و شبکه‌های اجتماعی با تولید و بازنشر پیام‌های منسجم، توانستند الگوهای ملی مانند دفاع از وطن، شهدا، استقلال و الگوهای مذهبی مانند عاشورا، مقاومت اسلامی و ولایت محوری را به صورت هم‌افزا در گفتمان عمومی تثبیت کند» (جعفری هزارانی، ۱۴۰۴: ۱۲). این مقاله با رویکردی تحلیلی و میان‌رشته‌ای، به بررسی نقش هم‌افزایی کهن‌الگوهای ملی و مذهبی در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تاثیر آن بر سلامت روانی جامعه در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل می‌پردازد. در این پژوهش سعی بر آن می‌رود ضمن توضیح چارچوب نظری تحلیل گفتمان به مثابه روش و نظریه، مفهوم مقاومت و امنیت و توضیح کهن‌الگوها در نظریه ناخودآگاه جمعی یونگ؛ هم‌افزایی کهن‌الگوهای ملی و مذهبی و تاثیر آن در گفتمان مقاومت با محوریت مداحی‌ها و دیگر تلاش‌های که در این زمینه شده مورد بررسی قرار می‌گیرد..

مبانی نظری

پژوهش حاضر در پی تبیین نحوه هم‌افزایی کهن‌الگوهای ملی و مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت در برابر جنگ روانی است. این هم‌افزایی نه تنها به تقویت مفهوم هویتی در جامعه منجر می‌شود، بلکه به مثابه ابزاری گفتمانی، توان مقابله با تهدیدات نمادین و روانی دشمن را افزایش می‌دهد.

۱. تحلیل گفتمان

نظریه گفتمان به عنوان روشی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی امری بدیع محسوب می‌شود و به چارچوبی نظری یک تحقیق برای رسیدن به هدف پژوهش کمک می‌کند. نخستین گام‌ها در ایجاد نظریه گفتمان را فردینان دو سوسور ۱۹۱۳-۱۸۵۷ برداشت. وی با ساختن اصطلاح "نشانه‌شناسی" که از نظر او، علم پژوهش نظام‌های دلالت معنایی است؛ زبان را که یکی از مهم‌ترین این نظام‌هاست، در مرکز توجه خویش قرار داد. عنصر اصلی زبان در نظریه سوسور، نشانه‌هاست. رابطه‌ای ذاتی میان نشانه و مصداق یا جهان خارج وجود ندارد. به این ترتیب، معنای نشانه‌ها نه با ارجاع به جهان مصداق‌ها، بلکه به واسطه رابطه‌ای که میان خود نشانه‌ها در درون نظام نشانه‌شناختی زبان برقرار می‌شود، به دست می‌آید. برای نمونه مفهوم پدر در تمایز با مادر، برادر، خواهر

و مانند آن درک می شود. تشکیل معنا بر اساس نظام تفاوتها در درون نظام نشانه شناختی زبان و بدون ارجاع به خارج، گام بسیار مهمی بود که سوسور برداشت. نشانه ها، دال و مدلول را به هم مرتبط می کنند، ولی هیچ ارتباط ضروری و طبیعی حتی وضعی نیز میان دال و مدلول وجود ندارد، رابطه دال و مدلول اختیاری و اتفاقی است. سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به دست می آورد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶). نظریه گفتمان نظریه توسعه یافته است که توسط ارنستو لاکلاو و نیز شنتال موفه طراحی شد. نظریه گفتمان با نقش معنا دار رفتارها و ایده های اجتماعی در زندگی سیاسی، سروکار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه ای می پردازد که طی آن سیستم های معانی یا گفتمان ها، فهم مردم از نقش خود را در جامعه را تشکیل می دهند. (دین پرست، ۱۳۸۹: ۳۲) از این دیدگاه قابلیت تبیین ساختار درونی یک اندیشه، توضیح چگونگی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها در مفصل بندی جدید، توضیح چگونگی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها در مفصل بندی جدید، توضیح رقابت و غیریت سازی بین گفتمان ها و سرانجام توضیح تحول و فرایند افول گفتمان های مسلط و غلبه گفتمان های جدید از مزایای الگوهای تحلیلی لاکلاو و موفه است (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۵۵۵).

۲. مفهوم مقاومت

مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آن ها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارایی ها، مطابق آموزه ها و احکام دین می باشد. عدالت محوری، ظلم ستیزی، دفاع مظلوم و نفی سلطه کفار، از جمله مهم ترین مولفه های آن است، مقاومت درونی، مبارزه با امیال نفسانی است و مقاومت بیرونی، مبارزه با تجاوز، تهاجم و اشغالگری (میر قادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱). محور مقاومت یا جبهه مقاومت به مجموعه ای از کشورها و همچنین گروه های نظامی مسلمان و شیعه گفته می شود که هدف آن ها پایان دادن به تسلط غرب در منطقه غرب آسیا، مبارزه با اسرائیل و دفاع از آزادی فلسطین است (محمدی سیرت و ترابی اقدام، ۱۳۹۶: ۶۳). ترکیب محور مقاومت اولین بار پس از آن به کار برده شد که جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در بهمن سال ۱۳۸۰ ش (۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ م)، کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را "محور شرارت" خواند. مجله لیبیایی الزحف الأخضر در پاسخ به این موضع گیری، کشورهای مذکور را نه محور شرارت بلکه محور مقاومت نامید که در برابر ایالات متحده آمریکا قرار گرفته اند (کریمی، ۱۳۹۶: ۳). در واقع توانایی کشور در دفع تهدید های خارجی علیه حیات سیاسی یا ملی، تأمین امنیت ملی به شمار می رود (برژنسکی، ۱۳۶۹: ۱۲). برای رسیدن به امنیت پایدار، همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، نظامی و سایبری به کار گرفته می شود تا ارزش های اساسی مورد هجوم قرار نگیرد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، با این وصف، آنچه در گفتمان و آرمان انقلاب اسلامی و تأثیر گذاری انقلاب اسلامی در سطوح وطنی، منطقه ای و فرا منطقه ای، حفظ و تعمیق ارزش های اساسی است و بر این مبنا، تلاش می کند، سبب گسترش و توسعه امنیت خواهد شد. جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، نمونه ای بارز از مواجهه چند بعدی بود که در آن نه تنها ابزارهای نظامی، بلکه رسانه ها، نماد ها، روایت های فرهنگی نیز به میدان آمدند. گفتمان مقاومت به عنوان ابزاری فرهنگی و روانی برای مقابله با تهدیدات چن لایه اهمیت ویژه ای یافته است. در این میان کهن الگو های ملی و مذهبی، به مثابه عناصر ریشه دار در حافظه جمعی نقش کلیدی در شکل دهی به انسجام اجتماعی و تقویت روحیه عمومی ایفا می کنند. در واقع این هم افزایی ملی و مذهبی توانست گفتمانی خلق کند که در برابر جنگ روانی دشمن، ایستادگی کند و انسجام ملی تقویت نماید.

۳. کهن الگوهای فرهنگی و حافظه جمعی

رویکرد اسطوره‌ای در ادبیات معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد: زیرا هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد، نیاز به قهرمان سازی و قهرمان پروری دارد. شاعران با باز آفرینی شخصیت‌های تاریخی، ملی و دینی، احساس قدرت مداوم، پایداری و بقا در مقابل سلطه‌ی بیگانگان را تقویت کرده و استقرار و ثبات خویش را به رخ دشمنان کشیدند. آنان در این راه از اسطوره‌ها به عنوان نماد استفاده کرده و از آن برای کشف و شهود و باز آفرینی حقیقت یاری می‌جویند (لک، ۱۳۸۴: ۶۴). آرکی تایپ قهرمان، رایج‌ترین و شناخته شده‌ترین نوع اسطوره است. واژه‌ی (ArchedType) در زبان فارسی به معنای «نمونه‌ای آرمانی»، «کهن‌الگو»، «نمونه برین» و جز آن ترجمه کرده‌اند. کهن‌الگو یکی از مشهورترین اصطلاحات در مکتب یونگ است. کارل گوستاو یونگ روانشناس مشهور سوئیسی است که ابتدا از شاگردان برجسته مکتب فروید بوده اما راه استاد را نپوید و در تقابل با اندیشه‌های فروید، روان آدمی به سه بخش خودآگاه «نهاد» نیمه‌آگاه «فرامن» و ناآگاه «من» تقسیم می‌کند که این سه به ترتیب تحت سیطره‌ی اصل لذت، اصل اخلاق و اصل واقعیت قرار دارند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۵۶). شاید بتوان گفت کهن‌الگو مبین آن جنبه‌ی از روان‌شناسی مورد توجه یونگ است که بیشتر از هر جنبه‌ی دیگری وارد مفاهیم نظری دوره ما شده است. یونگ در توصیف کهن‌الگو چنین می‌نویسد: «محتوایی ناخودآگاه که از راه خودآگاه شدن و نیز از راه ادراک شدن، دگرگون می‌گردد و ویژگی‌هایش را از ذهنیت مفردی کسب می‌کند که به هر دلیل در آن حادث شده است.» (بیلسکر، ۱۳۸۴: ۵۱). یونگ این بخش از روان ناخودآگاه را ناخودآگاه جمعی (collective) می‌نامد که نه توسط فرد کسب می‌شود و نه حاصل تجربه شخصی اوست، بلکه فطری و همگانی است و از محتویات و رفتارهایی برخوردار است که زمینه‌ی روانی مشترکی را تشکیل می‌دهد و دارایی هویتی فوق بشری است. (یونگ: ۱۳۶۸، ۱۴). فروید و یونگ، تقریباً هم زمان با هم تحقیق در ادبیات عامیانه و اساطیری را آغاز کردند اما به نتایج متفاوتی دست یافتند. هر دو به خوبی درک کرده بودند میان رؤیاهای انسان و اسطوره‌هایش نزدیکی و پیوندی وجود دارد اما فروید از اسطوره‌ها برای بازشناسی تعارض‌ها و کشمکش‌های روان فردی کمک گرفت و یونگ با رسیدن به مفهوم ناخودآگاهی جمعی، به دنبال دستیابی به الفبای زبانی مشترکی و همگانی بود. فرو بردن اسطوره‌ها و انگاره‌های روانی در مه گذشته‌های دور از دسترس تاریخ موجب شد راه یونگ از راه فروید جدا شود (یاوری، ۱۳۸۲: ۳۷۲). یونگ به دو گونه ناخودآگاه معتقد بود: فردی و جمعی. ناخودآگاه جمعی میراثی است از زندگانی تاریخی گذشته، از زندگی نیاکان و حتی از دورانی که بشر در مراحل حیوانی می‌زیست و از این رو به خاطره ناخودآگاه نژادی می‌رسد (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۷). به اعتقاد یونگ، کهن‌الگوها ماهیتی جهان شمول دارند و موجودیت‌شان از شکل‌گیری مغز و ذهن انسان در طول تاریخ ناشی شده است (بیلسکر، ۱۳۸۴: ۵۲). بدین ترتیب هنر و ادبیات از راه کهن‌الگوها به تاریخ قدیم همه افراد بشر می‌پیوند و هر خواننده به نوعی خود را ناخودآگاه در آن باز می‌یابد. همه‌ی مردم در ناخودآگاه جمعی سهیم هستند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۷). یونگ در چندین اثر مختلف خود به بحث درباره‌ی کهن‌الگوها می‌پردازد. او از راه تحلیل رؤیاهای بیماران و نیز از راه مطالعه در خصوص شکل و محتوای اسطوره به کشف کهن‌الگوها نائل شد. کهن‌الگو طرح کلی رفتارهای بشری است که منشأ آن همان ناخودآگاه جمعی است. به بیان دیگر کهن‌الگو محتویات ناخودآگاه جمعی است. صورمثالی در رؤیاهای و توهم و خیال پردازی و هنر و ادبیات خود را به ما نشان می‌دهد و به طور کلی بر ما نظارت و نفوذ دارد. (همان: ۲۲۷). نزدیک به بحث آرکی‌تایپ، بحث پروتوتایپ (Proto type) یا نمونه‌ازلی و فرد یا فرد اعرف و اجلی باستانی است. الگوی ازلی معشوقه در ادبیات فارسی، فرشته و پری است و الگوی ازلی پهلوانان رستم و پروتوتایپ مشایخ و اولیا، پیامبران و پروتوتایپ پیامبران، خدایان هستند (همان: ۲۲۹). پروتوتایپ‌ها همان الگوهای اولیه و خمیر مایه‌های هستند که نویسنده از جای وام می‌گرفته و با شاخ و برگ دادن به آن شخصیت‌ها داستانش را خلق می‌کند «نمونه اولیه، به عنوان نهاد (تز) با جریان ذهن و نیروی خلاقانه نویسنده برخورد می‌کند و حاصل این رویارویی هم‌نهادی (سنتز) است که کارکتر خلق شده توسط نویسنده است (دقیقیان،

۱۳۸۷: ۲). دقیقان به عنوان نخستین کسی است که در ایران اثری مستقل درباره پروتوتایپ نگاشته، در این باب می‌نویسد: تخیل هنرمندانه در تاروپود یک پروتوتایپ نفوذ می‌کند و مانند ماده‌ای اسرارآمیزی از جسم سخت آن، سیالی شکل پذیر می‌سازد و سپس آن را مناسب سلیقه و اندیشه‌های خود و نیز مطابق طرح کلی اثر ادبی شکل می‌دهد. همین تخیل است که در برخورد کشاکشی با پروتوتایپ، نقش اصلی را بازی می‌کند و آن را به موجودی مستقل تغییر شکل می‌دهد. گاه نویسنده پروتوتایپ خود را در محور زمان و مکان جابجا می‌کند و کارکتر را در زمان و مکان دیگری جای می‌دهد (همان: ۶۲-۶۳).

۴. کهن‌الگوها ملی و مذهبی

یا یک شخصیت واقعی تاریخی است، یکی از قهرمانان تاریخ که چند سال زندگی می‌کند، جنگ‌هایی انجام می‌دهد، فتوحاتی انجام می‌دهد و بعد هم مریض می‌شود یا مقتول و می‌میرد. بعد انسان همین شخصیت را از تاریخ می‌گیرد و به یک شخصیت ماورایی تبدیل می‌کند، زیرا به گفته شریعتی: «انسان همواره برای جبران کمبودهایی که در این عالم احساس می‌کند، به دنبال کمال مطلوب ساختن است. کمال مطلوب ساختن به چه معنی است؟ آنها را نمی‌شناخته، آن قدر فرهنگ نداشته که ذات و تصویر آن کمال مطلوب‌ها را به طور مشخص درک کند، اما این حالت که او مال این جا نیست، و نیازهای متعالی‌تر دارد که عالم از برآوردنش عاجز است، تخیل و اندیشه‌ی او را وادار می‌کرد کمال مطلوب‌های فرضی را در ذهنش خلق کند و برای همین داستان می‌ساخته که این داستان سازی از ابتدای تاریخ تا حالا وجود دارد» (شریعتی، ۱۳۹۰: ۱۹).

نوع دوم الگوها اساطیری هستند که ریشه در تاریخ ندارند و زایده‌ی تفکر مردمانی است که تمام آرمان و آرزوهای خود را در آن شخصیت خلاصه می‌کند به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که شخصیت رستم در شاهنامه به عنوان الگوی ملی که ریشه در اسطوره دارد، همواره مورد استقبال ایرانیان بوده است. بعد از ورود دین اسلام به ایران و تلفیق فرهنگ ایرانی و اسلامی و وابستگی ایرانیان به اسطوره‌ای ملی و مذهبی، شاعران در اشعارشان دست به تلفیق می‌زنند. نماد ملی در میان ایرانیان کسی جز رستم نیست. «هرگاه خورشید شخصیت رستم سر از افق اشعار حماسی و داستان‌های ملی ایران برمی‌آورد، دیگر ستارگان آسمان تاریخ باستان را چندان مجال برای درخشش و پرتو افشانی نمی‌ماند و در واقع با طلوع او در پهنه‌ی ادبیات ایران، حماسه‌ها و مفاخرات قومی رشد می‌کند، و با افول او درخت تناور مباحثات قومی به پژمردگی می‌گراید و او محوری است که تشبیهات و اغراق‌های شاعران در زمینه‌های پهلوانی‌ها و قهرمانی‌ها برگرد او می‌گردد نماد و مظهر مذهب و اسطوره‌های مذهبی نیز حضرت علی (ع) است که در بین ایرانیان عشق شدید باطنی آن‌ها به امام علی (ع) سبب شده است که از آن حضرت چهره‌ای اسطوره‌ای و گاه فرازمانی و فرامکانی بسازند» (اردلان جوان، ۱۳۶۷: ۷۵).

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی نقش مفاهیم مذهبی در شکل‌گیری گفتمان مقاومت پرداخته‌اند و هر یک از مؤلفه‌های مقاله (کهن‌الگو، گفتمان مقاومت، جنگ روانی، هم‌افزایی فرهنگی) به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما ترکیب آن‌ها در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم، به‌ویژه در زمینه جنگ ایران و رژیم صهیونیستی، مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ و ارائه مدلی برای تحلیل هم‌افزایی نمادین در تقویت گفتمان مقاومت است.

-دیریری مهر، امیر (۱۳۹۸). «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۸ → این مقاله به نقش مفاهیم مذهبی مانند عاشورا، ولایت، و شهادت در تولید گفتمان مقاومت در ایران و منطقه می‌پردازد.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا → تحلیل فلسفی و اجتماعی از واقعه عاشورا به‌عنوان منبع الهام‌بخش مقاومت در فرهنگ شیعی پرداخته است.

- شریعتی، علی (۱۳۵۷). تشیع علوی و تشیع صفوی. تهران: حسینیه ارشاد → بررسی دو نوع گفتمان شیعی و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری مقاومت اجتماع‌در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

- کهن‌الگوهای ملی و حافظه فرهنگی -یونگ، کارل گوستاو (Jung, C. G.) (1968). The Archetypes and the Collective Unconscious. Princeton University Press. → روان‌شناختی مشترک در ناخودآگاه جمعی.

- اسمان، یان (Assmann, J.) (2011). Cultural Memory and Early Civilization. Cambridge University Press. → نظریه حافظه فرهنگی و نقش نمادهای تاریخی در بازسازی هویت جمعی مورد پژوهش قرار گرفته است.

- خسروی، محمد (۱۴۰۰). «بازنمایی کهن‌الگوهای عاشورایی در رسانه‌های مقاومت». فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۱۴(۲)، ۲۳-۵۰. → تحلیل رسانه‌ای از ترکیب نمادهای ملی و مذهبی در گفتمان مقاومت ایران است.

- رشیدپور، علی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۹). «درآمدی بر مبانی نظری هم‌افزایی فرهنگی در گفتمان مقاومت». فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، ۱۱(۴)، ۶۷-۸۴ → ارائه چارچوب نظری برای هم‌افزایی عناصر فرهنگی در تولید گفتمان‌های اجتماع‌یاست.

- احمدی، بابک (۱۳۸۷). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز → بررسی ساختارهای معنایی و نقش تأویل در انسجام گفتمان‌مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

- لاین‌بارگر، پل (Linebarger, P. M. A.) (1954). Psychological Warfare. Combat Forces Press. → کتاب کلاسیک درباره راهبردهای جنگ روانی و تأثیر آن بر افکار عمومی.

- عبدی، عباس (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در مقابله با جنگ روانی». ماهنامه مدیریت رسانه، ۵(۱)، ۱۲-۲۵ → نقد عملکرد رسانه‌ها در مواجهه با تهدیدات روانی و لزوم تولید گفتمان مقاومت است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی انجام می‌شود. هدف آن، بررسی نحوه‌ی بازنمایی و هم‌افزایی کهن‌الگوهای ملی و مذهبی در تقویت گفتمان مقاومت و تحلیل تأثیر آن بر سلامت روانی جامعه در مواجهه با جنگ روانی دشمن است.

سؤال پژوهش

۱- چگونه هم افزایی کهن الگوهای ملی و مذهبی موجب تقویت گفتمان مقاومت و افزایش تاب آوری روانی جامعه در برابر جنگ روانی دشمن می شود؟

یافته‌های پژوهش

در جریان جنگ ۱۲ روزه، رسانه‌های رسمی ایران مانند: ایرنا، صدا و سیما، و خبرگزاری تسنیم نقش مهمی در تولید و انتشار روایت‌های منسجم ایفا کردند. این روایت‌ها با استفاده از مفاهیم مشترک مانند دفاع مقدس، شهید وطن و مجاهد فی سبیل الله توانستند الگوهای ملی و مذهبی را تلفیق کنند (همش‌ری آنلاین، ۱۴۰۴). نمادهایی مانند تصاویر شهدا، پرچم ایران، نوحه‌های عاشورایی و شعارهای مقاومت در شبکه‌های اجتماعی و مراسم عمومی باز تولید شدند و فضای روانی جامعه را به سمت وحدت و ایستادگی سوق دادند. اسطوره‌هایی چون آرش کمانگیر، رستم دستان و کاوه آهنگر در رسانه‌ها و بیانیه‌های رسمی به عنوان نمادهای مقاومت و ایثار مطرح شدند. این نمادها نه تنها در تقویت روحیه عمومی موثر بودند، بلکه در شکل‌گیری شبکه‌های مردمی اطلاعاتی نیز نقش داشتند. مثلاً در روزهای ابتدایی جنگ، فراخوان‌هایی با شعار "کمان آرش در دستان ماست" در فضای مجازی منتشر شد که بسیج مردمی برای رصد تحرکات دشمن انجامید. در کنار آن فرهنگ عاشورایی، با محوریت امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع) در قالب نمادهای شهادت‌طلبی و ایستادگی موجب همبستگی ملی شد. در مراسم‌های عزاداری و تجمعات مردمی، اطلاعات میدانی از مناطق آسیب‌دیده و تحرکات مشکوک دشمن به صورت خودجوش جمع‌آوری و به نهادهای امنیتی منتقل شد. این پدیده، نمونه‌های از اطلاعات مردمی به پشتوانه پیوند کهن الگوهای ملی و مذهبی بود. که در ادامه سروده‌ها و مداحی‌های که با این مضمون در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل از رسانه ملی و فضای مجازی باز نشر شد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، این مداحی‌ها در بحبوحه جنگ «صحنه نبرد را از آسمان و زمین به قلب‌ها و ذهن‌ها کشاند» (فارس نیوز، ۱۴۰۴). با استفاده از کهن الگوهای عاشورایی، ملی و مقاومت، مخاطبان را به همدلی و ایستادگی فرا خواند و سبب تقویت گفتمان مقاومت گردید.

نمونه‌های مستند این مداحی‌ها با محوریت پیوند کهن الگوهای ملی و مذهبی با هدف تقویت گفتمان مقاومت

پیوند کهن الگویی	مضمون	مداح	عنوان اثر
ایران+عاشورا	ایران سرزمین مقدس	محمود کریمی	ای ایران
قهرمان مذهبی	ملی+موعود جوانان ایرانی در خط مقدم	حسین طاهری	نسل سلمان
انتظار+وطن دوستی	ظهور مقاومت	محمد حسین پویانفر	موعود
مادران قهرمان	شهید+کودک مظلومیت غزه	مهدی رسولی	نان خونین
رزمنده حسینی	ایرانی+سرباز خطاب به دشمن	حسین طاهری	حریف منم

در مجموعه ای از آثار منتشر شده، بیش از ۲۵ مداحی و سروده استودیویی با محوریت مقاومت، جهاد اسلامی، و مقابله با اسرائیل منتشر شد حال برخی از این مداحی ها تشریح می شود. (پایگاه خوشحال، ۱۴۰۴).

تحلیل مداحی "ای ایران" محمود کریمی

محمود کریمی با بازخوانی ترانه کلاسیک ایران ایران که پیش تر توسط محمد نوری اجرا شده بود، آن را به نوحه‌ای آیینی تبدیل کرد. این اثر با تلفیق واژگان میهن پرستانه و لحن عاشورایی، نماد بارزی از پیوند وطن دوستی و فرهنگ شهادت بود که در ناخودآگاه جمعی ما ایرانیان است. استفاده از تصاویر شهدا، پرچم ایران، حرم امام حسین (ع) در نماهنگ این نوحه، حس همبستگی ملی و مذهبی را تقویت کرد و این بازخوانی با استقبال گسترده در رسانه ملی و فضای مجازی روبه رو شد و به یکی از نمادهای فرهنگی و مقاومت تبدیل شد.

ای میهن خدایی، صحن امام رضایی / ایران ذولفقاری و ایران عاشورایی / در روح و جان من می مانی ای وطن / تویی تویی تو هستی، حرم تویی تو خانه من (کریمی، ۱۴۰۴).

در روح و جان من می مانی ای وطن زیبا تر و کامل تر از آنچه که در حسینیه امام خمینی (ره) دیده شد، زمانی بود که رهبر معظم انقلاب به حاج محمود کریمی فرمودند "ای ایران بخوان" و آنجا بود که صدای نوحه و سینه زنی در هم آمیخت. ترکیب وصف ناپذیر و جدا نشدنی مذهب و ملیت که دشمن با برنامه ریزی از پیش تعیین شده و البته عده‌ای از روی ناآگاهی و غفلت بر طبل جدایی و تقابل آنها از یکدیگر تلاش و ادعا می کردند که مذهبی و انقلابی بودن با ایران دوستی و میهن پرستی قابل جمع نیست. ای میهن خدایی / ایران کربلایی ایران ذولفقار و ایران عاشورایی و این نشان داد که عاشورا برای ملت ایران فراتر از یک قطعه تاریخی است، چیزی که هویت و ناخودآگاه جمعی ما را شکل می دهد و به نوعی عزاداری هویتی و تاریخی است.

وطن دوستی در فرهنگ ایرانی، یک کهن الگوی بنیادی است که در اسطوره ها، آیین ها، شعر و مقاومت بازتاب یافته است. این مفهوم، نه تنها احساس تعلق، بلکه مسئولیت، ایثار و پیوندی معنوی با سرزمین را در بر دارد. "وطن دوستی ایرانی، تاریخی، فرهنگی و فراگیر است؛ وابسته به نهادی سیاسی نیست. در مقابل ناسیونالیسم مدرن، محصول دولت سازی و همسان سازی اجتماعی است" (صدانت، ۲۰۲۱: ۵). کهن الگوی وطن دوستی، به دلیل تکرار در اسطوره ها و آیین ها، در ناخودآگاه جمعی فعال است. اطلاعاتی که با این الگو هم خوانی دارند، سریع تر جذب و پردازش می شوند. (Jung, 1968:p:61). کهن الگوی وطن دوستی، با فراهم کردن یک چارچوب معنایی مشترک، سبب انسجام اطلاعاتی در جامعه می شود. این انسجام، نه تنها فهم مشترک را تقویت می کند، بلکه به همدلی، هویت سازی و مقاومت فرهنگی نیز منجر می شود. در عصر اطلاعات، بهره گیری از کهن الگوها، راهی برای معنا بخشی به داده ها و جلوگیری از پراکندگی شناختی است.

در شرایطی که جنگ روانی دشمن با هدف تضعیف روحیه عمومی جریان داشت، این مداحی با لحن حماسی و واژگان انگیزشی، نقش مهمی برای مقابله با جنگ روانی دشمن ایفا می کرد:

- تقویت امید و غیرت: تا وقتی با تو باشد این غیرت حسینی "جمله ای است که به طور مستقیم به تاب آوری روانی اشاره دارد.

- بازسازی اعتماد جمعی: استفاده از واژگان "دست مردان تو در دست خدا" و "مهد وفا" به بازنمایی قدرت الهی و مشروعیت مقاومت می پردازد.

- خشی سازی تهاجم روانی: با تاکید بر "ایران کربلایی" دشمن به عنوان یزید زمان معرفی می شود و مقاومت به عنوان وظیفه ی دینی و ملی باز تعریف می گردد.

۲. ابعاد روان شناختی و فرهنگی

از منظر سلامت روانی، این مداحی نقش مهمی در تخلیه هیجانی، تقویت احساس معنا و کاهش اضطراب جمعی دارد:

- تخلیه هیجانی: موسیقی حماسی، لحن پرشور و واژگان عاطفی، بستر مناسبی برای تخلیه روانی فراهم می کند.

- احساس معنا: پیوند ایران با کربلا، وطن با ایمان، مقاومت با شهادت، به زندگی مردم در شرایط جنگی معنا می بخشد.

- تقویت هویت جمعی: مخاطب احساس می کند بخشی از یک ملت مقاوم و مومن است، نه قربانی یک جنگ.

تحلیل مداحی "یوم الانتقام" ابوذر روحی در گفتمان مقاومت

یوم انتقام نزدیک است، وعده خداست / وعده خون شهید است / از خون جوانان وطن، بوی انتقام می آید (روحی، ۱۴۰۴).

۱. عنوان بار معنایی آن

این مداحی با تکیه بر آیه شریفه وسیعلم الذین ظلموا ای منتقلب ینقلبون (شعرا: ۲۲۷) وعده انتقام الهی را به عنوان یک اصل قرآنی مطرح می کند. در اینجا کهن الگوی عاشورا (انتقام خون مظلوم) با مفهوم ملی (دفاع از خاک) پیوند خورده است و مخاطب، خود را در جایگاه منتقم خون شهدای وطن می بیند که هم زمان حس ملی و دینی را تجربه می کند.

۲. ساختار روایی و گفتمانی

مداحی با لحن حماسی و تهییجی آغاز می شود و به تدریج وارد فضای عرفانی و ایمانی می شود. روایت آن بر سه محور استوار است ۱- مظلومیت تاریخی: اشاره به فلسطین، کودکان شهید، ملت های ستم دیده است. ۲- وعده انتقام الهی که استفاده از واژگان قرآنی و عاشورایی برای مشروعیت بخشی به مقاومت است ۳- دعوت به قیام و همبستگی خطاب به امت اسلامی، بسیج مردمی و آمادگی برای مقابله با دشمن که این ساختار مخاطب را از احساس اندوه و خشم مقدس و سپس به امید و انتظار فعال هدایت می کند.

۳. تلفیق نماد های مذهبی و سیاسی

مداحی به طور هوشمندانه ای کهن الگو های مذهبی (کربلا، امام حسین، حضرت مهدی) را با نماد های سیاسی (فلسطین، مقاومت، شهادت طلبی) تلفیق می کند. قدس به عنوان کهن الگوی مظلومیت و آرمان نهایی و ظهور به عنوان کهن الگوی پایان ظلم، شهید به عنوان قهرمان گفتمان مقاومت که این تلفیق ها، گفتمان مقاومت را از سطح سیاسی به سطح ایمانی ارتقا می دهد و آن را به وظیفه ای مقدس تبدیل می کند.

۴. نقش روان شناختی در مواجهه با جنگ روانی دشمن

در بستر جنگ ۱۲ روزه، دشمن با انتشار تصاویر خشونت، اخبار جعلی و تحلیل نا امید کننده، تلاش کرد روحیه عمومی را تضعیف کند. مداحی "یوم الانتقام" با لحن تهییجی، موسیقی حماسی و واژگان ایمانی، نقش مهمی ایفا کرد و تأثیر های ماندگار: تخلیه هیجانی که مخاطب با شنیدن مداحی، احساس خشم، اندوه و امید را به صورت جمعی تجربه کرد. همچنین موجب تقویت معنا و هدف گردید که مقاومت نه تنها واکنش سیاسی، بلکه وظیفه ای الهی و تاریخی معرفی می شود. همچنین افزایش تاب آوری روانی که مخاطب احساس می کند بخشی از یک امت مقاوم و منتظر ظهور است.

۵. جایگاه مداحی در گفتمان فرهنگی مقاومت

این مداحی فراتر از یک اثر هنری، به یک بیانیه فرهنگی تبدیل شد. در فضای مجازی، مراسم عزاداری، و رسانه های رسمی "یوم الانتقام" به نماد همبستگی و خشم مقدس تبدیل شد. باز نشر گسترده آن، نشان دهنده پذیرش عمومی و تأثیر گذاری روانی آن بود.

تحلیل مداحی "نسل سلمان" حسن طاهری در گفتمان مقاومت

ما نسل سلمانیم، سرباز صاحب الزمانیم/ خاک وطن را با خونمان بیمه کرده ایم/ اگر دشمن قدم بردارد، با صاعقه پاسخ می دهیم (طاهری، ۱۴۰۴).

۱. عنوان و بار نمادین آن

در این مداحی سلمان فارسی به عنوان یک کهن الگوی تاریخی، ایران را با اسلام پیوند می دهد. کهن الگوی قهرمان ملی با سرباز مهدی ترکیب شده است. این اثر، جوان ایرانی را در جایگاه تاریخی قرار می دهد. هم فرزند ایران است، هم سرباز امام زمان، این پیوند، انسجام هویتی و اطلاعاتی را تقویت می کند، زیرا مخاطب پیام سیاسی، دینی و تاریخی را در یک ساختار منسجم دریافت می کند.

۲. ساختار روایی و گفتمان سازی

مداحی با لحن حماسی و تهییجی آغاز می شود و با روایت هایی از عاشورا، دفاع مقدس و مقاومت امروز ادامه می یابد. ساختار آن بر سه محور استوار است:

۱. تاریخ مندی مقاومت: از کربلا تا خرمشهر تا غزه و قدس که همه در کهن الگوی جمعی نماد های مقاومت هستند.

۲. هویت سازی نسلی: نسل امروز به عنوان وارثان ایمان و غیرت هستند.

۳. دعوت به ایستادگی: خطاب به جوانان، بسیجیان و امت اسلامی برای مقابله با ظلم که در مقابل ظلم و ستم ایستادگی داشته باشند.

این روایت مخاطب را از گذشته به حال و آینده پیوند می دهد و حس مسئولیت تاریخی ایجاد می کند.

۳. تلفیق کهن الگوهای ملی و مذهبی

کهن الگو های ملی شامل: اشاره به غیرت ایرانی، خون شهدا، دفاع از وطن با کهن الگو های مذهبی عاشورایی مانند: حضرت عباس، امام زمان و انتظار ظهور توفیق می شوند. این تلفیق، گفتمان مقاومت را از یک موضع سیاسی به یک موضع فرهنگی - روانی ارتقا می دهد.

تحلیل مداحی "موعود" محمد حسین پویانفر در گفتمان مقاومت

تو می آیی و ما هنوز در سنگر مانده ایم/ صدای قدمت هایت را از غزه تا تهران شنیده ایم (پویانفر، ۱۴۰۴).

۱. محتوای شعر و روایت سازی مقاومت

شعر این مداحی با تصاویری اطراف شهرهای جنگ زده، کودکان شهید، مادران داغ دیده و دختران اسیر آغاز می شود:

"یه شهر بی تفنگ، یه شهر نیمه جون دوباره انتظار

دوباره طبل جنگ دوباره رد خون، صدای انفجار..."

این تصاویر، مخاطب را به فضای جنگ روانی و بحران انسانی می برد و با ایجاد هم ذات پنداری، احساسات جمعی را بر می انگیزد. سپس، با فراخوانی به امام مهدی "موعود یا مهدی ادرکنی" شعر از وضعیت بحرانی به امید و رهایی گذر می کند.

۲. کهن الگوهای مذهبی و ملی

موعود گرایی شیعی: فراخوان به امام زمان، نماد نهایی عدالت و نجات، به عنوان کهن الگوی مذهبی در متن مداحی برجسته می شود. این عنصر، مخاطب را از وضعیت اضطراب به امید و پایداری سوق می دهد. قهرمان جمعی: نوجوانانی که "با خون وضو می گیرن" بازنمایی از قاسم بن الحسین و دیگر شهدای نوجوان کربلا هستند. این تصویر، کهن الگوی "شهید مظلوم" را فعال می کند.

۳. کارکرد روانی و رسانه ای

مداحی "موعود" نه تنها در مراسم مذهبی، بلکه در شبکه های اجتماعی و رسانه های مقاومت باز نشر شد و ابزاری برای مقابله با جنگ روانی تبدیل شد. تکرار فراخوان "یا مهدی ادرکنی" در پایان هر بند، نوعی گفتمان جمعی ایجاد می کند که به تقویت روحیه و انسجام روانی مخاطب کمک می کند.

۴. جایگاه در گفتمان مقاومت

این مداحی، با بهره گیری از زبان حماسی، تصاویر دردناک، و امید به ظهور، توانست در دل بحران، گفتمانی خلق کند که هم زمان سوگ، اعتراض و امید را در خود دارد. در جنگ ۱۲ روزه، جنین آثاری هنری نقش مکملی در کنار رسانه های رسمی ایفا کردند و به بازنمایی مقاومت مردمی کمک نمود. این مداحی، انتظار ظهور را با مقاومت ملی پیوند می زند. کهن الگوی موعود با رزمنده وطن ترکیب شده است. مخاطب، خود را نه تنها منتظر امام زمان، بلکه فعال در مسیر ظهور می بیند. این نوع گفتمان مقاومت مربوط به جنگ، شهادت و آینده نگری را در یک روایت واحد قرار می دهد.

تحلیل مداحی "نان خونین" مهدی رسولی

نان خونین سفره کودکان غزه، شرم تاریخ است

هر قطره خون شان، آتشی است که از خاک ایران زبانه می کشد (رسولی، ۱۴۰۴).

۱. محتوا و روایت سازی نمادین

مداحی "نان خونین" با تصویر سازی از سفره ای که با خون شهدا رنگین شده، آغاز می شود. این تصویر، هم زمان نماد مظلومیت، ایثار، پایداری است. نان، به عنوان نماد معیشت و زندگی، وقتی با خون اغشته می شود، به نماد مقاومت بدل می گردد.

"نان خونین سفره بی صدا/ سهم ما از این جهان، کربلا"

این بند، با بهره گیری از استعاره های قدرتمند، مخاطب را از وضعیت روزمره به فضای حماسی و آرمانی منتقل می کند.

۲. کهن الگوی مذهبی و ملی

کربلا به مثابه کهن الگوی مقاومت: مداحی با ارجاع مکرر به عاشورا، امام حسین و حضرت زینب، از کهن الگوهای شیعی بهره می گیرد تا مفاهیم پایداری، مظلومیت و شهادت را باز آفرینی کند. مردم وارثان قهرمانان: مخاطب مداحی، نه صرفاً شنونده، بلکه ادامه دهنده راه شهدا معرفی می شود. این عنصر، حس مسئولیت و مشارکت جمعی را تقویت می کند.

۳. مقابله با جنگ روانی

در شرایطی که دشمن با ابزارهای رسانه ای و روانی تلاش در تضعیف روحیه مردم دارد، این مداحی با بازنمایی مظلومیت و ایستادگی، نوعی ضد روایت خلق می کند. تکرار مضامین عاشورایی، مخاطب را به ریشه های فرهنگی و مذهبی خود پیوند می زند و در برابر اضطراب و ناامیدی، سپری معنوی ایجاد می کند.

در این مداحی کهن الگوی کودک مظلوم با مادر شهید و امت واحد ترکیب شده است. پیام های انسانی، سیاسی و دینی در قالب عاطفی و حماسی ارائه می شوند. مخاطب هم دردی با کودکان فلسطینی را نه تنها وظیفه انسانی، بلکه مسئولیت دینی و ملی می بیند.

تحلیل مداحی "حریف منم" حسین طاهری در گفتمان مقاومت

ای دشمن، حریف منم

نه آن که در رسانه ها می بینی

من فرزند عاشورایم، از نسل قاسم و سلیمانی ام (طاهری، ۱۴۰۴)

در این مداحی با زبان تهدید و حماسه، کهن الگوی رزمنده ایرانی را با سرباز حسینی ترکیب می کند. مخاطب، خود را وارث خون شهدا، مدافع وطن و ادامه دهنده راه عاشورا می بیند. این اثر اطلاعات نظامی، رسانه ای و دینی را در قالب واحد و منسجم ارائه می دهد. لحن چالش گرانه مداحی، نوعی بازدارندگی روانی ایجاد می کند. مخاطب احساس می کند که در جبهه ای قدرتمند ایستاده

و دشمن را به مبارزه می طلبد. این اثر در فضای مجازی رسانه های مقاومت به طور گسترده منتشر شد و ابزاری برای تقویت روحیه عمومی در شرایط بحرانی بدل گردید. اگر چه این مداحی به طور مستقیم به نمادهای ملی اشاره نمی کند، لحن آن با روحیه حماسی اسطوره های ایرانی مانند آرش، رستم و سیاوش هم خوانی دارد. این هم افزایی ضمنی، باعث می شود که مخاطب ایرانی، مداحی را نه فقط مذهبی، بلکه ملی نیز تلقی کند.

در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، فضای فرهنگی کشور شاهد تولید و انتشار گسترده ای از آثار هنری، سروده های حماسی، مداحی های استودیویی، تعزیه های خیابانی و نمایش های آیینی بود که همگی با هدف تقویت روحیه ملی، انسجام دینی و مقاومت فرهنگی شکل گرفت. این آثار، با بهره گیری از کهن الگوهای عاشورایی، مهدوی، وطن دوستی و قهرمان محوری، توانستند اطلاعات رسانه ای، احساس تاریخی را در یک ساختار منسجم به مخاطب منتقل کنند.

سروده های حماسی و دیگر آثار هنری با مضمون ملی - مذهبی

در روزهای اوج درگیری، سروده های مانند "ما ملت امام حسینیم" و "ایران وطن عشق" از شبکه های رسمی و مردمی پخش شدند. این آثار با ترکیب نمادهای پرچم، شهید، امام حسین (ع) کهن الگوهای وطن دوستی را با عاشورا پیوند دادند. تعزیه و نمایش های آیینی، هنرهای تجسمی و خوشنویسی، شاهنامه خوانی و بازآفرینی اسطوره های ایرانی همه نشان دهنده ی تلفیق کهن الگوهای قهرمان ملی با رزمنده های حسینی است و مخاطب را در جایگاه مدافع وطن و دین قرار داد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۴). هویت ایرانی، گفتمانی منحصر به فرد از فرهنگ، معنویت و مقاومت است که در بزنگاه هایی مانند دفاع مقدس و جنگ های منطقه ای، در قالب هنر و آیین باز تولید می شود (رهدار، ۱۴۰۴). تحلیل گفتمان مقاومت بر سروده ها، تعزیه ها و هنرهای تجسمی که در این زمان از رسانه های رسمی و مردمی پخش شد.

۱. تعزیه: باز آفرینی حماسه در بستر بحران

تعزیه، به عنوان یکی از اصیل ترین هنرهای آیینی ایران، در این دوره بار دیگر به صحنه آمد و نه فقط واقعه عاشورا، بلکه مفاهیم مقاومت، ایثار و مظلومیت را بازنمایی کرد.

۲. هنرهای تجسمی: تصویر مقاومت در قاب معنا

در رسانه ملی، آثار تجسمی متعددی پخش شد که هر کدام حامل پیام هایی از ایثار، شهادت و پایداری بودند:

نقاشی های دیواری و پوستر های گرافیکی: با تصویر سازی از کودکان شهید، مادران مقاوم رزمندگان. این آثار توانستند احساسات جمعی را برانگیزند. استفاده از نمادهای ملی و مذهبی: ترکیب پرچم ایران با نمادهای عاشورایی (مثل علم کتیه، رنگ سرخ) باعث شد که مخاطب هم زمان حس ملی گرایی و دینداری را تجربه کند.

بازنمایی چهره های مقاومت: چهره هایی مانند شهید سلیمانی، نوجوانان شهید، مادران شهید به عنوان نمادهای زنده مقاومت در آثار تجسمی برجسته شدند.

یافته ها:

۱. بازنمایی هم افزایی نمادهای ملی و مذهبی در رسانه ها.

تحلیل محتوای رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی نشان داد که در طول جنگ ۱۲ روزه، نمادهای ملی (مانند آرش، رستم، پرچم ایران، سرود های حماسی) و مذهبی (مانند عاشورا، امام حسین (ع)، شعار هیئات منا الذله) به صورت هم زمان و تلفیقی بازنمایی شدند. این هم افزایی موجب شکل گیری گفتمانی منسجم و چند لایه شد که توانست مخاطبان با گرایش های مختلف را در یک جبهه روانی متحد کند.

۲. خنثی سازی بخشی از جنگ روانی دشمن از طریق روایت سازی داخلی

دشمن با انتشار اخبار جعلی، تصاویر تحریف شده و تحلیل های نا امید کننده، تلاش کرد روحیه ی عمومی را تضعیف کند. با این حال، روایت های داخلی با تاکید بر پیروزی های نمادین، شهادت طلبی، مقایسه جنگ با عاشورا، توانستند بخشی از این تهاجم روانی را خنثی کرده و اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

۳. افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش شکاف های سیاسی-فرهنگی

یافته ها نشان داد که در جریان جنگ، افراد با گرایش های سیاسی و فرهنگی متفاوت، در مواجهه با تهدید مشترک، به واسطه ی گفتمان مقاومت مبتنی بر نمادهای مشترک، به همبستگی روانی و اجتماعی رسیدند. این هم افزایی موجب کاهش تنش های داخلی و تقویت انسجام ملی شد.

۴. نقش نهاد های مذهبی و فرهنگی در مدیریت روانی بحران

نهاد هایی مانند مساجد، هیئت ها، مراکز فرهنگی و رسانه های ملی با تولید محتوای نمادین، برگزاری مراسم دعا و سوگواری، و بازنمایی قهرمان جنگ، بستر تخلیه هیجانی و آرامش روانی را برای مردم فراهم کردند. این اقدامات، به ویژه در مناطق آسیب دیده، نقش حیاتی در حفظ سلامت روانی ایفا کردند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه موردی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نشان داد که کهن الگوهای ملی و مذهبی، نه تنها در سطح نمادین، بلکه در تقویت گفتمان مقاومت نقش فعالی ایفا می‌کنند. مداحی، سروده‌ها، تعزیه‌ها، شاهنامه خوانی‌ها و هنرهای تجسمی همگی با بهره‌گیری از الگوهای بنیادینی چون عاشورا، وطن دوستی، انتظار موعود و قهرمان محوری، توانستند پیام‌های رسانه‌ای، احساسی، تاریخی و دینی را در یک چارچوب معنایی مشترک باز تولید کنند. این پیوند کهن الگویی، موجب تقویت گفتمان مقاومت شد؛ همچنین، این انسجام به همدلی اجتماعی، تقویت روحیه مقاومت، و بازسازی هویت ایرانی - اسلامی در مواجهه با بحران کمک کرد. در مقابل دشمنان ایران اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای جنگ شناختی، عملیات روانی و رسانه‌های بین‌المللی تلاش کردند تا این انسجام را تضعیف کنند. آنها با انتشار اخبار جعلی، تحریف نمادهای ملی و مذهبی و القای دوگانگی میان هویت ایرانی و اسلامی، سعی داشتند کهن الگوهای فرهنگی را بی اعتبار سازند و جامعه را دچار سردرگمی معنایی کنند. اما واکنش مردم، به ویژه در قالب تولیدات هنری و آیینی، نشان داد که کهن الگوها همچنان ظرفیت بالایی برای مقاومت در برابر تهاجم و جنگ روانی دارند.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که بهره‌گیری آگاهانه از کهن الگوها در تولیدات فرهنگی، می‌تواند به عنوان راهبردی موثر در مدیریت افکار عمومی، تقویت انسجام ملی، و مقابله با جنگ شناختی مورد استفاده قرار گیرد. در شرایطی که اطلاعات پراکنده و متنوع در فضای رسانه‌ای جریان دارد، کهن الگوها نقش نظام دهنده معنایی را ایفا می‌کنند و به بازسازی روایت‌های جمعی کمک می‌نمایند. بنا بر این، پیشنهاد می‌شود که در سیاست گذاری فرهنگی و رسانه‌ای، توجه‌ای ویژه به ظرفیت‌های کهن الگوهای ملی و مذهبی در تولید محتوا، آموزش عمومی و تقویت هویت اجتماعی صورت گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اردلان جوان، سیدعلی (۱۳۸۷). تجلی شاعرانه اساطیر و روایت تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳. احمدی، بابک (۱۳۸۷). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
۴. بیلسکر، ریچارد (۱۳۸۴). یونگ، مترجم حسین پاینده، تهران، طرح نو.
۵. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶). کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات سیاسی اسلامی، مجموعه مقالات روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۶. برژنسکی، زبینگو (۱۳۶۹). در جستجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران، سفیر.
۷. پایگاه خوشحال (۱۴۰۴). گلچین مداحی های مقاومت و جهاد اسلامی. Khooshhal.ir/music.
۸. جعفری هزارانی، نورالدین (۱۴۰۳) تحلیل جامع توانمندی های نظامی و راهبردی اطلاعاتی ایران و اسرائیل بازایی شده از <http://civilica/not/5349>.
۹. خسروی، محمد (۱۴۰۰). «بازنمایی کهن الگوهای عاشورایی در رسانه های مقاومت». فصلنامه مطالعات رسانه ای، ۱۴ (۲)، ۲۳-۵۰.
۱۰. رشیدپور، علی و مرادی، علیرضا (۱۳۹۹). «درآمدی بر مبانی نظری هم افزایی فرهنگی در گفتمان مقاومت». فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، ۱۱ (۴)، ۶۷-۸۴.
۱۱. دبیری مهر، امیر (۱۳۹۸). «مولفه های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۲ (۳)، ۴۵-۶۸.
۱۲. دقیقیان، شیرین دخت (۱۳۸۷). شخصیت پردازی در ادبیات داستانی. چاپ دوم. تهران: مروارید.
۱۳. دین پرست، فائزه (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. رهدار، احمد (۱۴۰۴) راز ماندگاری تمدن ایرانی در پیوند دین و هویت ملی بازایی شده از <http://www.agaah.ir/news/15565>.
۱۵. سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸). دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس.
۱۶. شریعتی، علی (۱۳۹۰). علی حقیقتی بر گونه اساطیر، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. ----- (۱۳۵۷). تشیع علوی و تشیع صفوی. تهران: حسینیه ارشاد.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). نقد ادبی، چاپ نخست، ویراست دوم، تهران: میترا.
۱۹. صدانت (۲۰۲۱). وطن در برابر ناسیونالیسم دو سرمشق تعریف هویت اجتماعی بازایی شده از (3danet.ir).

۲۰. عبدی، عباس (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در مقابله با جنگ روانی». ماهنامه مدیریت رسانه، ۵(۱)، ۱۲-۲۵.
۲۱. عیوضی، محمد و همکاران (۱۴۰۳). انسجام مذهبی در ایران و ارتباط آن با امنیت ملی، تهران، اندیشه.
۲۲. لک، منوچهر (۱۳۸۴). هویت ملی در شعر دفاع مقدس، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲ ص ۱۱۱-۱۳۲.
۲۳. لک زایی، نجف و دیگران (۱۳۸۴). امنیت ملی و دولت اسلامی از منظر فقه شیعه، فصلنامه سیاست متعالیه، سال چهارم، شماره ۴۱، ۱۴-۶۱.
۲۴. میر قادری، کیان (۱۳۹۱). بن مایه ادبیات مقاومت در قرآن، دوره اول، شماره اول.
۲۵. محمدی سیرت و ترابی اقدام (۱۳۹۶). الگوی نمایش نقش امنیت آفرین هشدای محور مقاومت در رسانه ملی، در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱. بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران، سنا.
۲۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۴). تشریح فعالیت های فرهنگی و هنری در مناسبت های ملی و مذهبی.
۲۹. همشهری آنلاین (۱۴۰۴). جزئیات تازه از اسنادی که ایران از اسرائیل در اختیار گرفته بازایی شده از <https://www.hamashahri.onlin.ir/news/95375>
۳۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸) چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.
۳۱. یآوری، حورا (۱۳۸۲). روانکاوی اسطوره ای گستره اسطوره. گفتگوهای محمد رضا ارشاد، تهران: هرمس، صص ۳۷۵-۳۵۱.

32. Jung, c.g (1968). the Archetypes, and the collective unconscious. princeton university press.

33. Castells, M (2009). communication. power. oxford university prss.

34. (Assmann, J.) (2011). Cultural Memory and Early Civilization. Cambridge University.

35. (Jung, C. G.) (1968). The Archetypes and the Collective Unconscious. Princeton University Press.

36. Linebarger, P. M. A.) (1954). Psychological Warfare. Combat Forces Press.

